

مراقب سایت‌های همسریابی باشید!

3 دی 1402

چندی قبل دختری جوان با مراجعه به پلیس از سرقتی عجیب خبر داد و در تشریح ماجرا گفت: در سایت همسریابی با مرد جوانی به نام اردلان آشنا شدم. خودش را خلبانی ثروتمند معرفی کرد و در جست‌وجوی همسری مناسب بود. وقتی قرار شد همدیگر را ملاقات کنیم با دیدن مردی خوش‌قیافه که با خودروی بنز به محل قرارآمده بود بدون معطلی جواب مثبت دادم.

ملاقات‌هایمان چندبار دیگر تکرار شد تا اینکه یک روز خانواده‌ام به مسافرت رفتند، وقتی اردلان متوجه سفر خانواده شد با من قرار ملاقات گذاشت اما مرا به اطراف شهر برد و در جایی خلوت با تهدید چاقو دست و پای من را بست و طلاهایی که به همراه داشتم و تلفن همراه و کلید خانه‌ام را سرقت و مرا همان‌جا رها کرد.

بعد از رفتن اردلان، به‌سختی خود را به نزدیک جاده رساندم. راننده‌ای متوجهم شد و مرا به اداره پلیس رساند بعد از شرح ماجرا برای پلیس و ثبت شکایت به خانه رفتم اما با درهای باز و سرقت اموال خانه روبه‌رو شدم.

به‌دنبال شکایت دختر جوان، تیم تحقیق راهی محل شده و در بازبینی دوربین‌های مداربسته محل سرقت، تصویر سارق به‌دست آمد. همان‌طور که مأموران احتمال داده بودند، سارق خانه کسی جز همان خواستگار قلبی نبود.

بررسی‌ها برای شناسایی مرد شاید ادامه داشت که کارآگاهان با شکایت‌های مشابه دیگری مواجه شدند. مرد شاید با جلب اعتماد زنان و دختران خود را مهندس، دکتر و خلبان معرفی کرده و با این ترفند در سایت همسریابی با قربانیانش آشنا می‌شد. بعد از آن با خودروهای مدل‌بالا مانند بنز و بی‌ام‌دبلیو و پورشه به محل‌های قرار می‌رفت و بعد از جلب اعتماد مالباختگان نقشه سرقت از خانه‌های قربانیان را اجرا می‌کرد.

در ادامه بررسی‌ها و با به‌دست آمدن تصاویر خواستگار قلبی با تصاویر متهمان سابقه‌دار اداره آگاهی مقایسه و هویت اردلان به‌دست آمد. با دستگیری متهم به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت وی به سرقت‌های سریالی از مالباختگان اعتراف کرد.

سرقت با خودروهای اجاره‌ای

چه شد این شگرد به ذهن‌ت خطور کرد؟

سرقت و کلاهبرداری به بهانه خواستگاری، یک شگرد نخ‌نماست اما باوجود تمام هشدارها و تذکرات بازهم زنان و دختران در دام خواستگاران قلبی گرفتار می‌شوند من هم از همین شیوه استفاده کردم.

چطور این کار را انجام می‌دادی؟

در سایت‌های همسریابی ثبت‌نام می‌کردم و زنان تنها و دخترانی را که وضع مالی خوبی داشتند انتخاب می‌کردم. یک خودروی مدل بالا را ساعتی اجاره می‌کردم و به محل قرار می‌رفتم و آنها هم که لباس‌های مارک و خودروام را می‌دیدند، باور می‌کردند که وضع مالی‌ام خوب است.

بعد از جلب اعتماد، از آنها اطلاعات می‌گرفتم. اگر تنها زندگی می‌کردند که سرقت کار سختی نبود با

آنها قرار می‌گذاشتم و به محلی خلوت رفته و پس از بستن دست و پایشان، کلید خانه و وسایل با ارزشی را که همراه داشتند سرقت می‌کردم. بعد راهی خانه‌هایشان شده و اقدام به سرقت وسایل با ارزش خانه‌شان می‌کردم. اگرهم با خانواده‌شان زندگی می‌کردند، صبر می‌کردم تا خانواده‌شان به مسافرت یا میهمانی بروند و با قربانیان قرار می‌گذاشتم و مابقی نقشه را اجرا می‌کردم.

خودروها را با مدارک خودت اجاره می‌کردی؟

نه با مدارک جعلی. مدارک هویتی کارتن‌خواب‌ها و افراد معتاد را می‌خریدم. خودم را شبیه آنها گریم می‌کردم کسی هم که خودرو را اجاره می‌دهد به پولی که برای پیش‌پرداخت و اجاره می‌دهی توجه می‌کند نه عکس کارت.

چطور دستگیر شدی؟

چون جای ثابتی نداشتم پیدا کردنم کارسختی بود. اما از شانس بد، زن جوانی که آخرین قربانی‌ام بود، به همراه خواهرزاده‌اش در سایت همسریابی ثبت‌نام کرده بود. من از خواهرزاده‌اش چندماه قبل سرقت کرده بودم و زمانی که با او قرار گذاشتم، به من شک کرده و عکس مرا به خواهرزاده‌اش نشان داده بود وقتی او گفته بود که من همان سارق اموالش هستم با من قرار گذاشت و همزمان هم با مأموران پلیس هماهنگ کرده بود و بازداشت شدم.